

بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه

بوعلی سینا همدان

کوروش مومنی دهقی

استادیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول

K_momeni@jsu.ac.ir

چکیده

اهمیت معماری آرامگاهی مرهون ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ عامه است. این گونه معماری ارتباط مستقیم با جهان بینی، ایدئولوژی و اقتصاد جامعه خود دارد. توجه به معماری آرامگاهی را می توان معلول دو عامل: حب ذات و اعتقاد به جهان بعد از مرگ (به خصوص در فرهنگ مصر باستان در ایجاد اهرام و مصطبه ها) و در دوره های بعد ارادت و علاقه دوستداران شخص متوفی دانست. در مورد ارادت و علاقه شخص متوفی هیچ سنت آرامگاهی را همچون ایران نمی توان یافت که از چنین عمر دراز و مقبولیت عامه برخوردار باشد که همچنان بعد از سالیان دراز پابرجاست. در این تحقیق سعی شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی نقش و تأثیر فرهنگ آرامگاهی را در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان با توجه به تاریخ بناهای آرامگاهی در ایران مورد بررسی و پژوهش قرار بدهیم. نتایج بدست آمده نشان می دهد که طراح در طرح آرامگاه بوعلی توانسته؛ جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ را با استفاده از فرم های معماری آرامگاهی و با توجه به فرهنگ زمانه و تأثیر مدرنیسم بر معماری، تحقق دهد و جنبه محتوایی با استفاده از رموز و استعارات بکار رفته در بنا تحقق و تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، معماری آرامگاهی، معماری آرامگاهی قبل و بعد از اسلام، آرامگاه بوعلی سینا.

۱- مقدمه

احترام به متوفیان و سوگواری در مرگ عزیزان در ایران باستان رواج داشته است. نمونه های این سوگواری را می توان در شاهنامه فردوسی مشاهده کرد. (مرگ سیامک پسر کیومرث، مرگ ایرج، کشته شدن سهراب و...). در شاهنامه نیز در مورد مرگ رستم به صراحت به ساخت آرامگاهی در خور شان او اشاره شده است.

به باغ اندرون دخمه ای ساختند

سرش را به ابر اندر افراختند

برابر نهادند زرین دو تخت

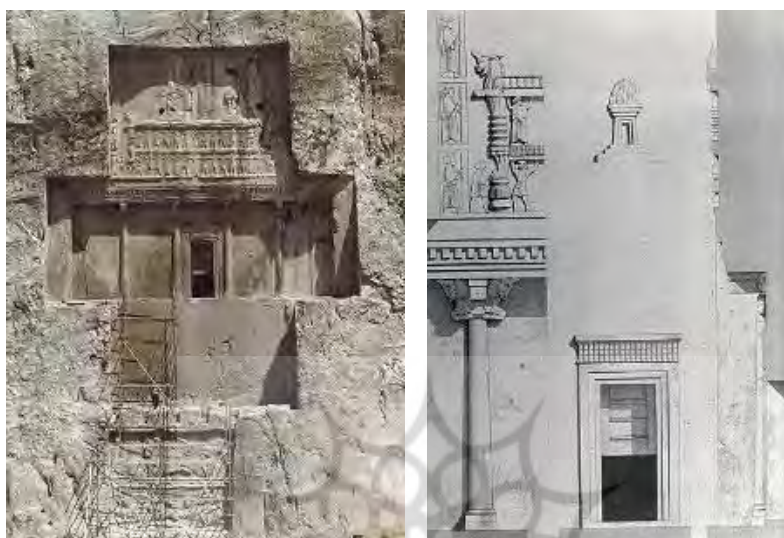
بدان خوابیده گو نیک بخت

در دخمه بستند و گشتند باز

شد آن نامور گرد گردن فراز، (فردوسی، ۱۳۷۵: ۱۳۱۶).

در طول تاریخ ایران باستان، همواره استمداد طلبیدن از ارواح پاک درگذشتگان وجود داشته و این باور به صورت عینی در زندگی آنان رسوخ پیدا کرده بود، به عنوان مثال، خانه تکانی قبل از مراسم نوروز ریشه در این باور دارد که ارواح فوت شدگان در این ایام به خانه خود باز می گردند و ارواح از ناپاکی و کثیفی بیزارند. همچنین در آدینه آخر سال به یاد مردگان و نثار روح آنان نذورات به فقرا می دانند. وجود فرمها و نقوش مقدس بر روی آرامگاهها، به خصوص آرامگاههای نقش رستم و تخت جمشید دلالت بر بزرگی و عظمت شخص متوفی و تمایز وی با سایر درگذشتگان عادی دارد. فرم چلیپا و نماد فروهر به عنوان نگرش همگامی کنایتی است بر اهمیت آرامگاهها در دوران تاریخ ایران است. در ادوار مختلف در دورانهای مختلف و در مکانهای مختلف با شیوه های تدفینی متفاوتی مواجه می شویم: کسپیان جنازه هایشان را طعمه پرندگان می ساختند. سکاها مردگان خویش را به همراه خدمت و حشم در

دخمه‌هایی به صورت تپه به خاک می‌سپاردند. دخمه در زبان فارسی به معنای حفره تنگ و تاریک است. با توجه به رسم در دخمه قرار دادن مردگان توسط سکایان و آتش زدن آنان توسط هندوان، ایرانیان تنها واژه دخمه را حفظ نمودند و وجود گورهای مادی و هخامنشی، بنحوی معرف وجود دخمه‌هاست. اتاقک‌های تدفینی در دل کوه‌ها در دوران مادها در کردستان و آذربایجان غربی و قسمتی از خاک کنونی عراق، همانند دخمه فخریکا، دخمه فرهاد و شیرین، داود دختر، آخوررستم، در دوران هخامنشی در نقش رستم و تخت جمشید به اوج خود رسید، (موسوی، ۱۳۷۸: ۴۹-۴۳).



شکل ۱ - نقش رستم

در میان مقابر هخامنشیان، مقبره پدر کورش و کورش را می‌توان استثناء دانست، (فرم کوهسان این دو آرامگاه زیگورات‌های بین‌النهرین را به یاد می‌آورد، زیگورات‌ها نمادی از کوه، مظهر خیروبرکت و قداست) و همچنین تأثیر گرفته از اهرام مصر، طی حملات کورش و کمبوجیه به مصر می‌باشد و تا حدودی نیز می‌توان گفت برگرفته از معماری اورارتورها نیز می‌باشد. وجود مقابر هخامنشیان نشان دهنده دخمه و پذیرفتن رسم کسپیان می‌باشد. احتمالاً از اواسط دوره هخامنشی توسط طبقه روحانیون مادی (مغان) و پس از اداره دین زرتشت توسط مغان، این آئین وارد دین زرتشت شد و در دوره ساسانی با رسمی شدن دین زرتشت، به دخمه نهادن مردگان آئین عمومی ایران گشت.



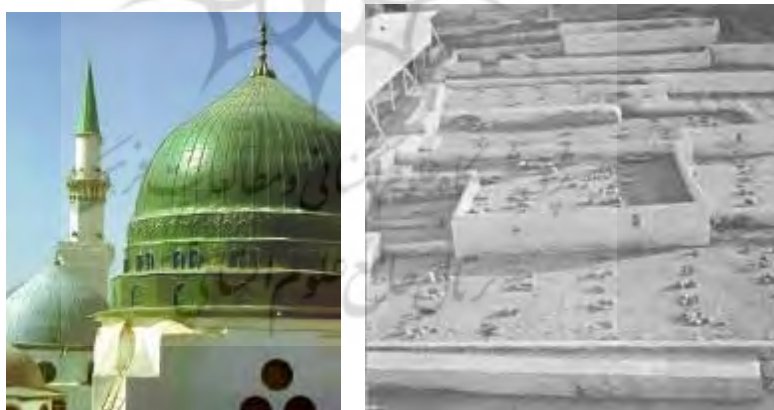
شکل ۲ - آرامگاه کورش کبیر در پاسارگاد



شکل ۳- دخمه‌های ساسانی (سیراف) و داخل مقبره کورش کبیر

۲- معماری آرامگاهی دوران اسلامی

طبق تعالیم اسلامی بی‌تابی، شیون و گریه در وفات نزدیکان، جز برای والدین و فرزندان نارواست. پیامبر اکرم (ص) نیز سفارش کرده‌اند تا گورها همسطح زمین باشند و اجساد مردگان را در یک کفن سفید بلافاصله و بدون تشریفات به خاک بسپارند، ولی در عمل این‌گونه نشد و با مخالفت اقوامی که به اسلام گرویدند روبرو شد. شاید اولین گام در این مخالفت تبدیل شدن آرامگاه (منزل) پیامبر به مسجد توسط ولید بن عبدالملک در دوران بنی امیه بود و دیری نگذشت که قبرهایی از خاندان و اهل پیامبر نیز مشخص گردیدند.



شکل ۴- شعب ابی طالب (مقابر با سنگ مشخص شده‌اند) و مسجدالنبی
(مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷).

با گذشت زمان با افزودن محراب به آرامگاه‌ها این‌گونه بناها جنبه قداستی پیدا کرد و با توجه به دیدگاه اسلام که هر مکانی با توجه به شرایط می‌تواند به‌عنوان مسجد مورد استفاده قرار گیرد، بناهای آرامگاهی روز به روز بر اهمیتشان افزوده شد و با مهاجرت فرزندان ائمه (ع) به ایران در جای‌جای ایران آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌های مقدسی برپا شد. شفاعت و زیارت در فرهنگ شیعه دو عامل بسط و گسترش آرامگاه‌ها در ایران می‌باشد. یکی دیگر از وجوه تمایز آرامگاه‌های ایران با آرامگاه‌های سایر نقاط، تفاوت معنایی و

محتوایی آن است. نام‌های که به آرامگاه‌های ایران اطلاق مشود مانند گنبد، مشهد، روضه، مرقد، آستان، رباط و امامزاده. به‌طور کلی آرامگاه‌ها علاوه بر مقبره، دارای کاربری اجتماعی بودند و گاهی به مراکز عمومی تبدیل می‌شدند.



شکل ۵ - مقبره شاه اسماعیل در ماهان

در معماری آرامگاهی، استحکام بنا که کنایتی بر جاودانگی و ماندگاری است دارای اهمیت بیشتری است تا نوآوری و به همین دلیل تغییرات در تنوع فرم معماری آرامگاه‌ها نسبت به بناهای دیگر همچون مساجد ناچیز می‌باشد. بناهای آرامگاهی را می‌توان به دو دسته بناهای چهارگوش (چندضلعی منتظم) گنبدار و برج‌های آرامگاهی تقسیم کرد. چهارضلعی‌های گنبدار (چهار تاقی‌ها) ریشه‌ای کهن در معماری ایران دارند و معمولاً آتشکده‌های ساسانی بودند. در دوره‌های بعدی به‌منظور استفاده بهینه از فضا، فرم مربع شکل آرامگاه به چندضلعی منتظم تبدیل گشت و در ایران هشتضلعی منتظم بیشتر جلوه‌گر شد.



شکل ۶ - بقعه شیخ الجبرئیل اردبیل و امامزاده اسماعیل ابهر (فرم چلیپا بر روی ساقه گنبد مشهود است) (مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷)



شکل ۷ - بقعه دوازده امام یزد، (مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷).

برج‌های آرامگاهی که بیشتر جنبه نمادین داشتند، در ابتدا از اجزاء ساده‌ای تشکیل شده بودند که شامل یک استوانه با بام مخروطی بود. در طول زمان برج‌های آرامگاهی به صورت برج‌های پره دار و جسیم و پشت‌بندهای گوشه‌دار نمایان شدند و استوانه ساده به شش‌ضلعی، هشت‌ضلعی، ده ضلعی و برج‌های ستاره‌دار تکامل یافتند و در این میان هشت‌ضلعی‌ها موردپسند عام و دیرپاتر بود. فرم غالب آرامگاه‌های ایران تا اوایل حکومت سلجوقیان چهارضلعی‌های گنبددار بود و از این به بعد برج‌های مقبره‌ای رواج یافت و اوج آن در دوران حکومت سلاجقه و ایلخانیان بود، (همان: ۴۹-۴۳).



شکل ۸ - برج کاشانه بسطام، گنبد قابوس و برج پیر علمدار دامغان غزنویان
(مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷)

از لحاظ سازمان فضائی، تفاوت اساسی برج‌های آرامگاهی با مقبره‌های چهارضلعی گنبددار در این بود که برج آرامگاهی اغلب فضائی کور و بسته بود ولی چهارضلعی گنبددار استعداد و قابلیت زیادی برای توسعه داشت و همین عامل با رواج آئین‌های عبادی در آرامگاه‌ها سبب مقبولیت هر چه بیشتر، چهارضلعی‌های گنبددار به جای برج‌های آرامگاهی تا دوران معاصر شد. در دوران معاصر با تولید مصالح جدید و شکل گرفتن معماری مدرن و حضور افکار جدید در دنیای معماری همچون شفافیت، عملکردگرایی و...، معماری آرامگاهی نیز از این اصول بدون تأثیر نماند و باعث شکل‌گیری تحول جدیدی در معماری آرامگاهی شد که باعث تلفیق فرهنگ گذشته معماری آرامگاهی با نیازها و ضرورت‌های جامعه معاصر ما شد که نمونه‌های از آنرا می‌توان در کارهای مهندس هوشنگ سیحون مشاهده کرد.



شکل ۹ - آرامگاه بوعلی سینا همدان و آرامگاه باباطاهر عریان

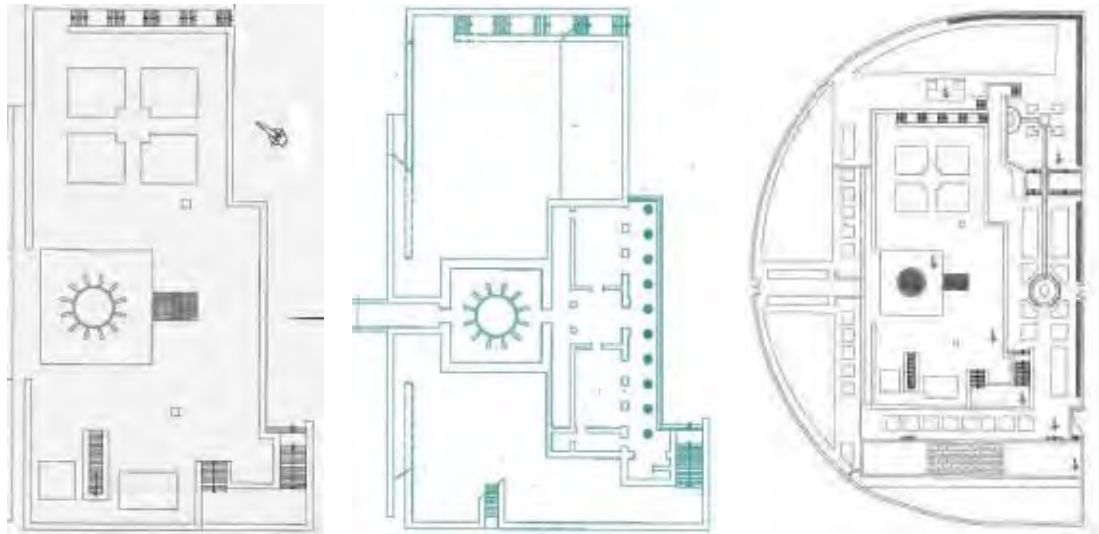
۳- نقش و تأثیر فرهنگ آرامگاهی در طراحی آرامگاه بوعلی سینا همدان

طرح ساخت آرامگاه بوعلی سینا همدان به مناسبت هزارمین سال تولد بوعلی توسط انجمن آثار ملی توسط مهندس هوشنگ سیحون، طراحی و نظارت شد و توسط شرکت پیمانکاری ابتهاج و شرکا ساخته شد. آرامگاه بوعلی سینا در شهر همدان بنا شده است که امروز در وسط یک میدان قرار گرفته است. فضاهای اصلی آن به شرح ذیل است: ۱- ایوان ده ستون، ۲- لابی، ۳- مقبره، ۴- موزه، ۵- برج، ۶- محوطه آرامگاه.



شکل ۱۰- آرامگاه بوعلی سینا همدان

همانگونه که اشاره شد دو عامل شفاعت و زیارت در مذهب شیعه باعث شکل گرفتن معماری آرامگاهی شد و باعث ایجاد فضایی برای زیارت و استمداد از ارواح درگذشتگان در اطراف قبر متوفی شده است که در آرامگاه بوعلی به عنوان فضای مرکزی طرح بوده و در انتهای مسیر و در زیر برج آرامگاهی واقع شده است. پلان فضای مقبره مربع شکل است که شاید نمادی از خاکی و زمینی بودن انسان در برابر ماوراءالطبیعه باشد. همچنین با ایجاد یک پرچین و حصار چوبی قبر را با فضای طواف و زیارت جدا کرده است ولی با این حال امکان فاتحه خواندن و نزدیک شدن و لمس سنگ قبر که در فرهنگ آئینی ما ملحوظ است، امکان پذیر می‌باشد. همانگونه که اشاره شد اکثر فضاهای آرامگاهی، دارای کاربری‌های دیگری به جز مقبره بودن و دارای کاربری اجتماعی نیز بوده‌اند که همین امر باعث به وجود آمدن فضاهای دیگری مانند کتابخانه و موزه بوعلی و فضاهای تفریحی، توریستی شده است که مطابق با نیازهای زمانه شکل گرفته است و همین کاربردی بودن مجموعه برای افراد متفاوت باعث ماندگاری، زنده و جاودانگی بودن بنا می‌شود. معمار با تلفیق دو سبک برج‌های آرامگاهی و چهارضلعی‌های منتظم، سعی در رسیدن به طرحی بوده است که در آن همه نیازهای کاربردی زمان و نیازهای آرامگاهی با طرحی مطابق با خواست زمان طرح و اجرا شود. در این بنا با الهام از گنبد قابوس، هم اشاره به بنای همزمان دوران زندگی بوعلی شده است و هم جنبه نمادین و جاودانه بودن بنا را با ایجاد شکوه و اوج تأکید کرده است، همچنین معمار با استفاده از دوازده پره بتنی هم سعی در ایجاد شفافیت مطابق با خواست فرهنگ زمان و هم اشاره به دوازده دانش بوعلی داشته است و هم خود برج را در برابر وزش بادهای شدید همدان محافظت و منطبق با اقلیم همدان کرده است و به زیبایی؛ مسائل فرهنگی و مسائل اقلیمی را ترکیب و تلفیق کرده است، (بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).



شکل ۱۱ - سایت پلان، پلان همکف و پلان بام، (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).

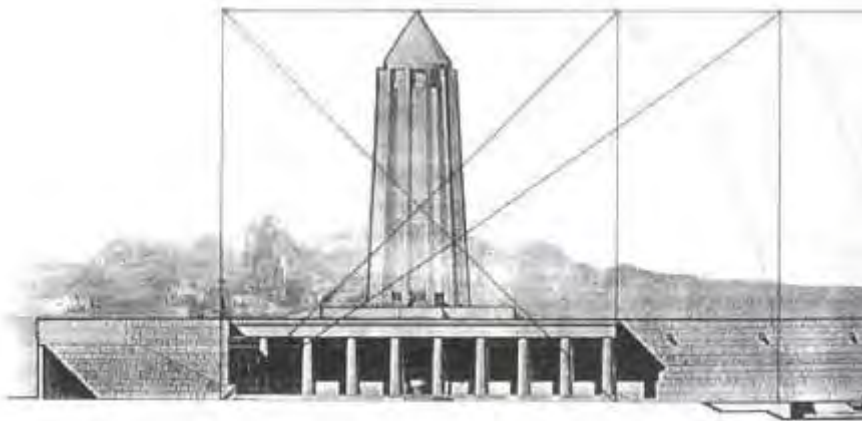
در طرح محوطه بنا، چه در طبق همکف و چه در طبقه اول (بام)، با استفاده از اصول باغ ایرانی و استفاده از محورهای حرکتی آب و وجود آبنماها و استفاده از مصالح بومی همدان همچون سنگ خارا همدان، سعی در عجین کردن فضا با فرهنگ و خصوصیات ایرانی‌ها داشته است. از نکات دیگری که اشاره شد جاودانگی بناهای آرامگاهی می‌باشد که هم به صورت ظاهری و فرمی بود که به آن اشاره شد و هم محتوی و معنایی که باعث غنا بنا نسبت به سایر بناها می‌شود و آن استفاده از یکسری رموز و استعاره می‌باشد که در طرح آرامگاه بوعلی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- مربع پایه و اساس فضاهای بنا، ۲- ایوان ده ستونه نماد هزارمین سال تولد بوعلی که هر ستون نماینده یک قرن و جمعاً هزار سال، ۳- قرارگیری برج و ایوان در نما در یک مربع که نماینده انسان در راه کمال و همان بوعلی سینا (انسان ایستاده با دست‌های گشاده)، ۴- استفاده بیش از ۵۰۰ مربع در طرح و اجزاء بنا و ... که همه این موارد برای غنی کردن و بارزش کردن یک بنا آرامگاهی نسبت به سایر بناها می‌باشد که ریشه در فرهنگ و مقدس بودن اینگونه بناها در فرهنگ بومی ما ایرانیان دارد، (همان: ۱۵۲).



The Garden



شکل ۱۲ - استفاده از شکل مربع و اصول باغ ایرانی و محورهای حرکتی آب در طرح آرامگاه بوعلی همدان (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).



شکل ۱۳ - قرارگیری برج و ایوان در نما در یک مربع، (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).

۴- نتیجه‌گیری

سؤال: نقش و تأثیر فرهنگ آرامگاهی در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان به چه شکل تجلی یافته است؟
جواب: با توجه به توضیحات گذشته و شرح فرهنگ معماری آرامگاهی و خصوصیات آرامگاه بوعلی، می‌توان گفت که جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ را با استفاده از فرم‌های معماری آرامگاهی و نوآوری آن، با توجه به فرهنگ زمانه و تأثیر مدرنیسم بر معماری، تحقق یافته است و جنبه محتوایی آنرا با استفاده از رموز و استعارات بکار رفته در بنا تحقق و تجلی یافته است.

تشکر و قدردانی

کلیه هزینه‌های این مقاله از محل اعتبارات پژوهانه دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول تأمین شده است که صمیمانه تشکر و قدردانی خود را ابراز می‌نمایم.

مراجع

- ۲۳- بانی مسعود، امیر (آذر و دی ۱۳۸۳)؛ «بناهای یادمانی هوشنگ سیحون»، مجله معمار، ش ۲۸.
- ۲۴- پوپ، آ (۱۳۷۳)؛ «معماری ایران»، ترجمه: غلامحسین صدقی افشار، تهران: انتشارات فرهنگیان، چ ۳.
- ۲۵- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۱)؛ «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، چ ۶.
- ۲۶- شاهنامه فردوسی (۱۳۷۴)؛ به تصحیح ژول مول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۷- موسوی، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ «فرهنگ عامه و معماری آرامگاهی»، مجله آبادی، ش ۳۴ و ۳۵.
- ۲۸- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)؛ «حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی»، ترجمه: حمید شاهرخ، تهران: انتشارات نشرخاک، ص ۳۸، ۵۹، ۱۰۹.